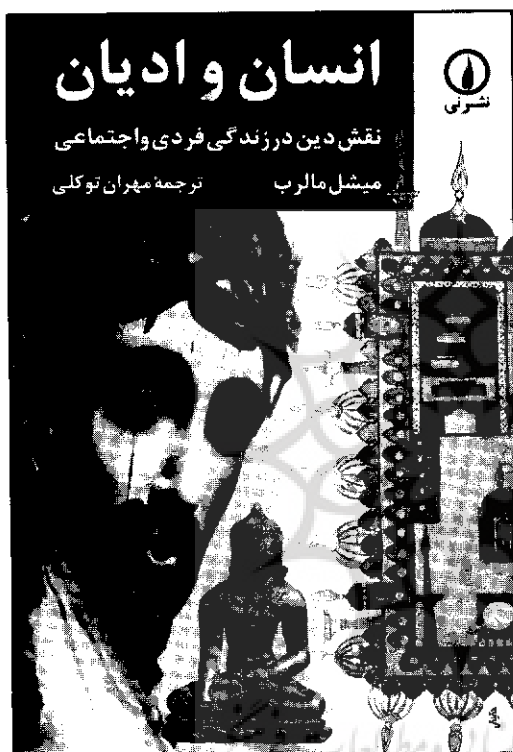




# انسان و ادیان



○ بخشعلی قنبری

○ انسان و ادیان  
○ میشل مالرب  
○ ترجمه: مهران توکلی  
○ نشر نی، چاپ اول، بهمن ۱۳۷۹

به معرفی و بررسی آن می‌پردازیم که مولف سعی کرده است شمای کلی و امروزین از وضعیت ادیان معاصر را ارایه کند.

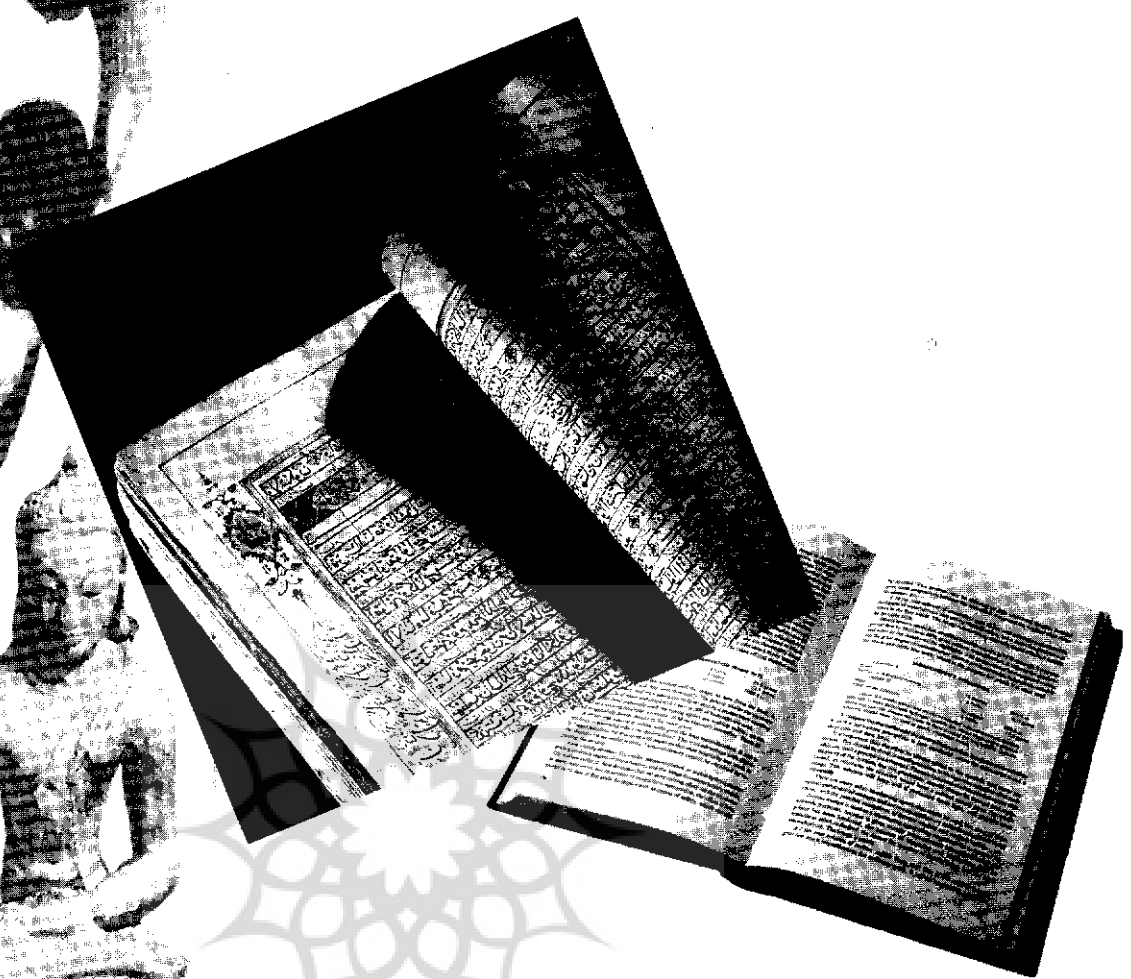
روش تحقیق کتاب

مؤلف محترم در تالیف این کتاب با وجود آگاهی از روشهای مختلف تحقیق در ادیان روش غیرتاریخی را برگزیده است و به نحوه رویکرد پیروان ادیان به ارزشهای دینی پرداخته و آن را مدنظر قرار داده است. نویسنده معتقد است اگر بنا بر این باشد که دین‌ها را از دست‌اندازی‌ها و دست‌کاری‌هایی که نیروهای سیاسی یا اقتصادی در آنها کرده‌اند پاک کنیم تا گوهر معنوی نهفته در هر یک از آنها را بشناسیم گزیری نداریم از این که تحلیل تاریخی را تعیین‌کننده نگیریم و این روشی است که در این کتاب به کار بسته شده است. نویسنده مدعی است که می‌خواهد واقعیات دینی را به طور عینی برای خواننده ترسیم کند و از طریق پرداخت جامعه‌شناسانه و آیین‌شناسانه و با تکیه بر مدعیات و اعترافات دینداران یک دین، آن را برای سایر دینداران روشن سازد و از این طریق در ایجاد رابطه‌ای عمیق و زیرین میان آنان توفیق یابد.

اگر به وضع نشر (اعم از کتاب و نشریه) نظری بیفکنیم خواهیم دانست که کتابهای دینی به لحاظ کمی در صدر قرار گرفته‌اند. رقم بسیار بالای انتشار کتب مقدس، چاپ و انتشار کتابهایی با موضوعیت دینی و گسترش عرفان دینی نشان از توجه انسان مدرن به امر دین دارد. به جرات می‌توان گفت که نشریات دینی در هر کشوری مقام اول را به لحاظ کمیت دارد. وجود دایرةالمعارفهای دینی، نشریات دینی، کنفرانسهای دینی، همایش‌های جهانی دینداران به ویژه جوانان از علایمی است که بویایی ادیان را نوید می‌دهد. رقم بسیار بالای رسانه‌های جمعی در حوزه دین، سینمای دینی، کتب و نشریات، مسافرتها، فستیوالهای مذهبی همه از آن اموری‌اند که حیات ادیان را ثابت می‌کنند.

در سالهای اخیر از نظر مطالعات دینی تحول کم‌سابقه‌ای در ایران به وقوع پیوسته است و مخصوصاً درحوزه دین‌پژوهی تعداد کتب و نشریات منتشر شده بسیار قابل ملاحظه است. در این میان ترجمه تحقیقات مولفان غربی در این حوزه سهم بزرگی به خود اختصاص داده است. کتاب «انسان و ادیان» ازجمله آنهاست که در این مقال و مجال





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### اعتقاد به خدا، معنای دین

برخی از جامعه‌شناسان نقطه عزیمت مباحث دینی و دین‌پژوهی را «شیء مقدس» می‌دانند. یعنی دین در جایی مطرح می‌شود که گروهی از آدمیان به امری تقدس داده و یا از قبل و ذاتاً آن تقدس را داشته است، به عنوان شیء مقدس در نظر گرفته شود. اما برخی دیگر چنین نگره‌ای را قبول ندارند بلکه خدا و اعتقاد به او را محور شکل‌گیری و پیدایش ادیان می‌دانند. نویسنده کتاب حاضر نظریه اخیر را پذیرفته و دین را در جایی جستجو می‌کند که خدا به عنوان محور اجتماع قرار گرفته است. نویسنده با عنایت به چنین نقطه‌نظری است که دین بودایی را یک مکتب فلسفی می‌داند نه یک دین. هرچند که در این مکتب آیین‌هایی هم وجود دارد که آن را به دین همانند می‌سازد.<sup>۱</sup> البته این در حالی است که نویسنده علیرغم نظر مورد پذیرش خود، در بررسی ادیان از بودایی هم نام برده و به بررسی آموزه‌ها و پیروان این دین پرداخته است.<sup>۲</sup>

### ایمان، گوهر ادیان

نویسنده معتقد است که ژرف‌ترین نوع دینداری را در ایمانی باید جست که باعث کشش آدمیان به آیینی خاص می‌شود. ایمان هرچه

باشد حرکت‌زا و یقین‌افزاست و روندی است که در طی آن مؤمن به درک مستقیم و عمیق خدا نایل می‌گردد.

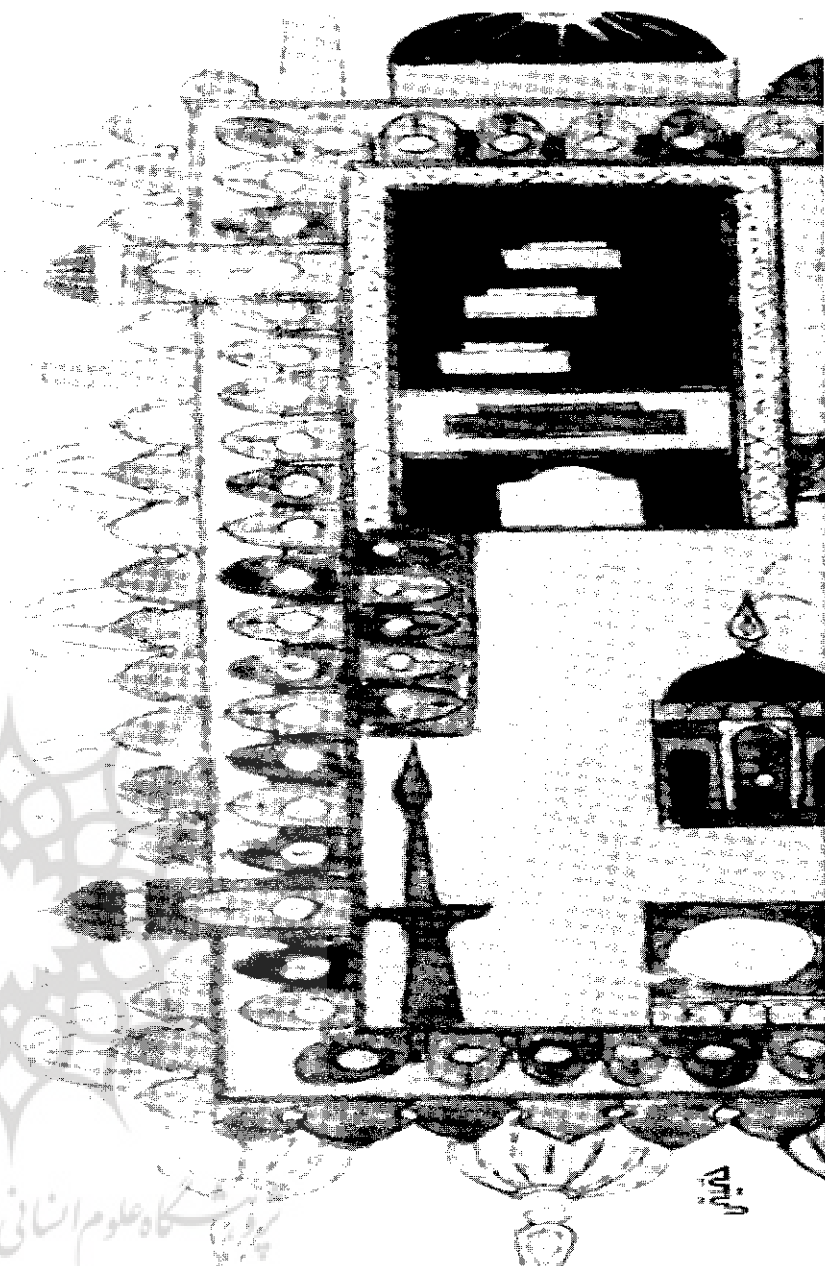
### ایمان امری انکارناپذیر

با توجه به این که ایمان امری درونی و روحی - روانی است لذا نه می‌توان آن را برای دیگران اثبات کرد و نه می‌توان برای رد آن اقامه دلیل کرد. پدیده‌ی «ایمان» را به آسانی رد نتوان کرد زیرا در کشورهایی که فرهنگ‌های جوراجور دارند، در زمان‌های گوناگون و نزد شمار بزرگی از آدمیان دیده شده است. نفی ایمان برابر است با انکار گفته‌های انسان‌های بسیار؛ گفته‌هایی که یکسان و همانندند.<sup>۳</sup>

### بررسی جداگانه و تطبیقی ادیان

در یک نظر کلی می‌توان مباحث کتاب را به دو بخش کلی تقسیم کرد: در یک بخش به بررسی جداگانه ادیان پرداخته شده و در بخش دیگر موضوعی انتخاب شده و از دیدگاه ادیان بررسی شده است. در بخش اول عناوین زیر مورد بحث قرار گرفته است: دین یهود، مسیحیت، اسلام، زردشتی، دین هندویی، دین بودایی، تائویی (دائویی)، کنفوسیوسی و چند عنوان دیگر.





۲) دین‌های فرارونده: در میان دو گروه ادیان وحیانی و غیروحیانی گروه دیگری هست که ما آنها را دل‌خواهانه «دین‌های فرارونده» می‌نامیم. نخستین آنها دین ایرانیان باستان است که با زردشت به اوج روحانیت خود رسید، نزدیک به یک هزار سال استوار ماند، و سرانجام در رویارویی با اسلام، از سده‌ی هفتم میلادی فرو ریخت و از میان رفت. دومین آن دین سیخ‌هاست که در سراسر سده‌ی شانزدهم از برخورد هندویی با اسلام زایل شده.<sup>۷</sup>

۳) فلسفه - دین‌ها: نویسنده از آن جهت ادیان شرق دور را فلسفه - دین می‌نامد که این ادیان براساس تعریف مغرب‌زمینیان از دین نمی‌گنجد و با توجه به این که آنان دین را از زاویه روحانیت آن می‌نگرند و چون در شرق روحانیت وجود دارد لذا جریانهای فکری بزرگ خاور دور و چین را در رده‌ی دین‌ها می‌آورند. ۸ این ادیان شامل تائو (Taoism)، بودایی (Buddhism) و کنفوسیوسی (Confucianism) شامل می‌شود. در میان آن جریانهای فکری هیچ یک آشکارا بر شناخت یک خدا تکیه نمی‌کند، هرچند که هیچ‌کدام آشکارا منکر خدا هم نیست.

۵) دین‌ماندها: بلندپروازی دین‌ها، که هم باور و هم اخلاق و هم دریافت خود از جهان هستی را به مردم بقبولانند، بازتابش را در همه‌ی کسانی می‌بینم که می‌کوشند فکر، نقشه یا آرمان خویشان را به شماری هرچه بزرگ‌تر از مردم بار کنند. آن‌گاه که این گونه هدف‌ها دامنه‌دار می‌شوند «دین‌ماندها» از آنها برمی‌آیند، یعنی جریان‌های فکری‌ای که در آنها از خدا حرف نیست اما برخی از شیوه‌ها و آیین‌های دین را می‌گیرند و ذهن آدم‌ها را در قالب آن می‌ریزند.<sup>۸</sup> سوبوده‌ها، فراماسونی و کمونیسم از نمونه‌های بارز دین‌ماندهاست.

۶) فرقه‌ها: فرقه گروهی از مردم است که سلوکشان از روال عادی فراتر می‌رود تا به جایی که در نگاه اکثریت بزرگ مردم - چه دیندار و چه بی‌دین - به ریشخند یا به رسوایی می‌رسد.<sup>۹</sup> از فرقه‌های مهم می‌توان از «مون» (انجمن یگانه‌سازی مسیحیت جهانی)، «دانش مسیحایی»، «مکاشفه‌ی والاگرا» و «هارکریشنا» اشاره کرد.

۷) کلیسا: نویسنده در تعریف و توصیف واژه‌ی کلیسا می‌نویسد: کلیسا از کلمه تونانی «کلیزیا» برآمده که معنی آن «انجمن، محفل» است. پس کلیسا یعنی جایی که مسیحیان در آن انجمن می‌کنند.<sup>۱۰</sup>

#### گزارشی از ادیان

مؤلف در گزارش و تحلیل ادیان از مسیحیت آغاز کرده با مبحث فرقه‌ها این موضوع را به پایان می‌رساند.

#### چند نکته

درباره کتاب چند مطلب لازم به یادآوری است. ذکر این نکات از آن جهت مفید است که زمینه‌های بهره‌برداری از اثر حاضر و برخورد انتقادی با آن را فراهم خواهد کرد.

۱) اثر حاضر یک منبع معاصر است لذا می‌توان آن را وضعیت معاصر ادیان نامید.

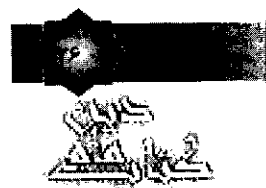
در بخش دوم نیز این عناوین ذکر شده است: زندگانی روحانی، دین زندگانی همگانی، دین و فرهنگ، دین و سیاست، آینده ادیان و کارکرد ادیان.

#### شمار و چگونگی تقسیم‌بندی ادیان

مولف در اینجا دو معیار کلی را مطرح کرده است: خطوط کلی ادیان و ملاحظه تفسیرهای مختلف دینی. با عنایت به معیار اول ادیان دنیا از چند گروه بزرگ فراتر نمی‌رود و با ملاحظه معیار دوم تعداد از چند صدگونه فراتر خواهد رفت.<sup>۱۱</sup>

#### بررسی چند اصطلاح ادیانی

۱) دین‌های ایزدان‌پرستان: گروه دیگری از دین‌ها که از اهمیت بیشتری برخوردارند گروه «ایزدان‌پرستان» است، که پیروان آن به پرستش یک خدا بس نمی‌کنند و خدایان چند می‌پرستند. «دین‌های ایزدان‌پرستان» بین خود یگانگی و خویشاوندی نمی‌شناسند. سرآمد این گروه یکی دین هندویی است. «آنی میسم» نمونه دیگر این دسته ادیان است.<sup>۱۲</sup>



۲) کتاب حاضر را نمی‌توان در زمره‌ی آثار علمی - تحقیقی قلمداد کرد چرا که مطالب به طور مختصر و غیراستدلالی برگزار شده است.  
 ۳) فایده عموم اثر حاضر را در به روز بودن آن می‌توان جست چه، اطلاعات مفید و امروزی ادیان را در خود گرد آورده است.  
 ۴) همانگونه که مؤلف اشاره کرده، اثر برگردانی است از اعمال و رفتار دینداران نه ادیان منعکس شده در متون دینی.  
 ۵) توضیحات مترجم مفید است اما در مواردی که لازم است به اشتباهات مؤلف تذکار داده نشده است. مثلاً جمعیت شیعیان و تقسیم‌بندی ادیان از جمله مواردی است که نیازمند توضیح و نقد است.  
 ۶) درباره شیوه ترجمه باید این نکته را یادآوری کرد که: در مواردی مترجم به گونه‌ای متن را برگردانده که معلوم نیست مطلب یا علامت از آن مؤلف است یا مترجم. به عنوان مثال در صفحاتی که نام مبارک حضرت محمد (ص) ذکر شده حرف «ص» داخل کروش قرار داده نشده تا معلوم شود که این تصرف از سوی مترجم صورت گرفته است. (نک ص ۴۹)

در مواردی ترجمه به گونه‌ای صورت گرفته که خواننده گمان می‌برد اصل کتاب به صورت سخنرانی است نه تالیف کتابی. به علاوه در مواردی هم قواعد ادبیات فارسی رعایت نشده است. برای مثال می‌توان عبارت ذیل را یادآوری کرد: «اما در دوران امپراطوری روم مردم فراوانی از اقوام گوناگون به دین یهود گرویدند. از این است که یهود یک‌پارچگی نژادی ندارد و برای شناختن یهود از غیریهود جز خود این دین نشانه‌ای در دست نداریم... دلبستگی به این سرزمین نزد یهود ارثی است، در خون آنهاست. بیشترشان حکومت اسراییل را نماد پشت‌گرمی و اعتماد به آینده خود می‌دانند.»<sup>۱۱</sup> و نیز: «هرکس کنجکاو است بداند که در دنیا چند دین پدید آمده است.»<sup>۱۲</sup>  
 در این عبارات یک نوع نارسایی به ذهن می‌رسد و خواننده احساس می‌کند که جملات روان ادا نشده است به علاوه که در جاهایی می‌خوانیم: «قوم یهود را در سراسر تاریخش همسایگان نیرومندش بارها از جایی به جای دیگر دور رانده یا قتل عام کرده‌اند...»<sup>۱۳</sup> در این عبارت مفعول صریح جای نهاد را گرفته است و نهاد هم به عنوان متمم به کار رفته است. در حالی که جای نهاد آغاز جمله است ولی رعایت نشده است.

۷) در مواردی به ضعف ویراستاری برخورد می‌کنیم. «اولین آیینی که بی آن یک پسرپیچه در سلک قوم یهود درنخواهد آمد ختنه است» که در هشتمین روز زادن می‌کنند.»<sup>۱۴</sup> خواننده باید چند بار متن را بخواند تا به فهم کامل آن نایل شود.

۸) در اثر، اغلاط تایپی و گاه ناهماهنگی در کاربرد یکسان واژه‌ها هم قابل ملاحظه است (نک: در صفحه شناسنامه که یک‌جا فامیلی نویسنده «مالرب» آمده در حالی که در همان صفحه داخل کادر «مالهرپ» ذکر شده است و این کاربرد فارسی واژه‌ی Malherbe است. و نیز در همان صفحه در فهرست کتابخانه ملی پسوندهای توضیحی نام کتاب بعد از دو نقطه (: ذکر شده و در پایین صفحه داخل

پراتنز. در صفحه ۹۲ «تسونگلی» هم در متن و هم در پاورقی «تسونگلی» نوشته شده است در حالیکه واژه (Tsvingli) به عنوان راهنمای خواننده نوشته شده است  
 ۹) یکی از عواملی که باعث کاهش اعتبار علمی این اثر می‌تواند مطرح شود طرفداری متکلمانه مؤلف از مسیحیت است در حالی که در همه علوم به ویژه در تاریخ ادیان که باید کمال بی‌طرفی رعایت شود، مؤلف برخلاف این اصل دین‌شناسانند.<sup>۱۵</sup>

۱۰) مؤلف در جایی از کتاب از تورات با عنوان عهد عتیق در دیدگاه مسیحیان نام برده است. درحالی که تورات بخشی از عهد عتیق است و هرگز با آن مساوی نیست. عهد عتیق دربرگیرنده کتب زیر است: تورات، کتابهای یوشع، داوران، روت، اول سموئیل، دوم سموئیل، اول پادشاهان، دوم پادشاهان، اول تواریخ ایام، دوم تواریخ ایام، عزرا، نحیما، استر، ایوب، مزامیر، امثال، جامعه، غزل غزلهای سلیمان، اشعیا، ارمیا، مراثی ارمیا، حزقیال، دانیال، هوشع، یوئیل، عاموس، عوبدیا، یونس، میکاه، ناحوم حبقوق، صنفیا، حجی، زکریا و ملاکی...<sup>۱۶</sup>

۱۱) در صفحه ۱۰۶ بند ۲ از سوره‌ای به نام «رجال» در قرآن یاد شده است که بی‌سابقه است و اثری از آن در قرآن نیست و متأسفانه مترجم محترم نیز هیچگونه توضیحی نداده است.

#### پاورقی‌ها:

- ۱- برگزاری آیین نیایش یا حضور یک میلیون جوان در فرانسه از نمونه‌های عینی این امر است.
- ۲- انسان و ادیان، ص ۱۴.
- ۳- همان، ص ۴۰ و ۱۹۲.
- ۴- انسان و ادیان، ص ۲۲.
- ۵- انسان و ادیان، ص ۴۵.
- ۶- انسان و ادیان، ص ۱۳۵.
- ۷- همان.
- ۸- همان، ص ۱۸۳.
- ۹- انسان و دین، ص ۲۲۵.
- ۱۰- همان، ص ۲۳۷.
- ۱۱- همان، ص ۸۲.
- ۱۲- جهت آگاهی نک: انسان و ادیان، ص ۴۸.
- ۱۳- انسان و ادیان، ص ۵۲.
- ۱۴- همان، ص ۴۵.
- ۱۵- همان، ص ۵۲.
- ۱۶- همان، صص ۵۸-۵۹ و نیز صفحه ۹۲ بند ۲.
- ۱۷- نک: انسان و ادیان، صص ۷۲-۷۳.

